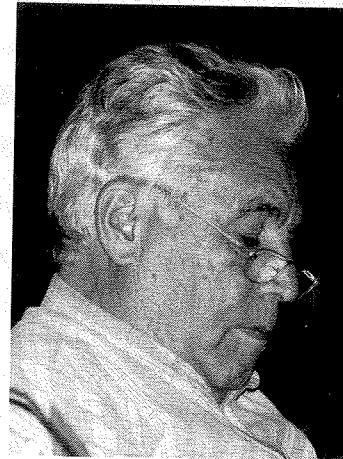


میرزا بیگی، بهاری، و ابوکاظمی قاموس دری بکاوند و ناموس زبان بدرنند
و چیزهایی بیاورند که در حقه هیچ عطاری نباشد. منم که جایزه حسابی به
حساب فرزندش برقرار کردم. یک سال در میان جایزه دادم و سالیانه
گزارش کردم. منم که نوریان از هوای تهران، بانکی از فولاد مبارک و
غرضی چاپار بسیج بدیدم و اموالشان به فیزیکدانان دادم. منم که میرسلیم
بدیدم و زمین مستضعفان و بیچارگان برای انجمن بگرفتم. گفتم
فیزیکدانان ایران کم‌اند و کم دارند. باید که بیشتر باشند و بیشتر داشته
باشند. باید همه چیز داشته باشند و دیگران همه باید به آنها بدهند. منم
که گفتم عبدالسلام چاپ کتاب‌هایش را به من بدهد و دلار بدهد، رنجبر
هم باید بدهد و دیگران هم بدهند.

من رضا منصوری، منم رئیس انجمن فیزیک ایران که اینها و خیلی چیزهای دیگر بکردم و بیشتر هم خواهم کرد.



برگی از شاهنامه حکیم یوسف ثبوتی*

منم شاهزاده شاهان، شاه انشان و پارس، شاه پارت و کرمان و نیمروز. از میان رودان تا آن سوی رود به فرمان من است. لیدی و آشور بگرفتم و بر شاهان آن‌جا فرمان راندم. منم محمود حسابی، کمال جناب، منم علی اصغر آزاد، علی اصغر خمسوی، ضیاءالدین اسماعیل بیگی. منم همه ایها، منم فیزیک ایران، منم فیزیکدانانی که بودند و نیستند. اوشه روانان باشند. و فیزیکدانانی که نیستند و خواهند بود، کامروایان باشند. منم که کنفرانس سالیانه فیزیک رسم کردم از تهران و اصفهان و مشهد و شیراز و تبریز و همدان خواستم که پول دهند و به نام من کنفرانس کنند. منم که فیزیکدانان ایران جمع کردم و انجمان بیماراستم. گفتم که فیزیکدانان ایران و ایران از میان رودان تا آن سوی رود گرد هم آیند و کنفرانس منطقه‌ای کنند. منم که واژگان فیزیک وضع کردم. گفتم که خواجه‌پور، صمیمی،

* این قطعه را استاد ثبوتی در سال ۱۳۷۵، در حاشیه دوره آموزشی بین‌المللی بس ذره‌ای در دانشگاه صنعتی اصفهان، تصنیف فرموده‌اند.